

۱۱۴۴
۵۵

۲۱۲۶
۹۳

یک سند تاریخی

از :

خانبا با بیانی

(دکتر در تاریخ - استاد ممتاز دانشگاه تهران)

۲۲۵

از طرف اداره سیاسی ایردوژ بدستدار سردار ایش

به کتابخانه مدرسه فیضیه قم ایراد و وقف گردیده بتاريخ ۲۵/۱۱/۱۳۵۹

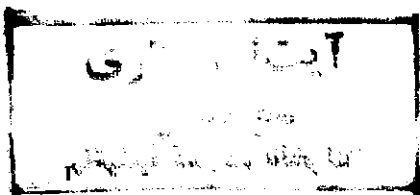
تاریخ احوال ۱۴۰۱ قمری برابر با ۱۲/۱۱/۱۳۵۹ هجری قمری ۶

الافتخار حجتی المیران معری

آیت الله خاوری

موسس

کتابخانه مدرسه فیضیه قم



از : خان‌بابا بیانی

(دکتر در تاریخ - استاد ممتاز دانشگاه تهران)

یک سند تاریخی

در دوران بی‌بندوباری و پراشوب دوران زمامداری قاجاریه در گوشه و کنار ایران ماموران و مردان وطن پرستی بودند که از جریان ناگوار وقایعی که از تمام جهات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در سرزمین مألوف خود و پدرانیشان اتفاق می‌افتاد متأثر می‌شدند و یادلسوزی و صادقانه و از روی حسن نیت به انحاء مختلف منویات قلبی خویش را که آکنده از تأثر و تالم از اوضاع آشفته زمان خود بود خاطر نشان زمامداران می‌کردند و راه‌حلهائی را برای مشکلات و بهبود اوضاع ارائه و پیشنهاد مینمودند.

از جمله در میان اسناد وزارت امور خارجه کتابچه‌ای بدست نگارنده افتاد در زیر عنوان «کتابچه عبدالعلی خان سرهنگ در خصوص بعضی ملاحظات راجعه به تزئید منافع بلوکات سرحدیه اروس و آبادی آنها»^۱ سرهنگ عبدالعلی خان که این کتابچه را بعنوان گزارش برای مظفرالدین شاه تدوین کرده در مقدمه رساله خود چنین نوشته است :

« کتابچه منافع و مداخلات حالیه و انتقالیه سرحدات ارومی

۱- آرشیو وزارت امور خارجه به شماره ۳۳۲۰ قراردادهای غیرمعتبر

است که خانه زادجان نثار عبدالعلی سرهنگ ابن مرحوم علینقی خان سرتیپ افشار در این چندسال که از جانب مرحوم شجاع‌الدوله^۲ مامور بسرحدداری و حکومت آنصفحات بوده از روی بصیرت و اطلاعات حاصله خود عرض می‌کند که بعد از فراهم آمدن اسباب انضباط و انتظام سرحدی باکمال سهولت بدون خرج تراش بدیوان قدرتوامان در اندک وقتی مبلغ‌گزافی توفیر و اضافه منال دیوانی خواهد بود ولی موقوف بجزئی توجه اولیای دولت قاهره است « در نتیجه ممارست و تجربه در دوران ماموریت پیشنهادها و راه‌حل‌هایی چنانچه خود گفته است، با اطلاع و آشنائی کامل به جزئیات جغرافیائی و سیاسی و اقتصادی حوزه ماموریت خود خاطر نشان و متذکر شاه قاجار کرد و در نهایت خلوص نیت و دلسوزی اصلاح آنها را به نفع کشور و دولت خواستار گردید .

رساله که باخطی خوش و انشائی شیوا نوشته و تنظیم شده است احتیاج به رونویسی نیست فقط چون اعداد به سیاق نوشته شده و ممکن است بسیاری به این طرز قدیمی حساب نویسی آشنائی نداشته باشند آن قسمت از رساله را که حاوی محاسبه باسیاق است با تغییر اعداد سیاقی به اعداد متداول تکرار می‌کند .

۲- یوسف خان شجاع‌الدوله چهارمین فرزند لطفعلی خان سرتیپ افشار در زمان ناصرالدین شاه برتبه سرتیپی نائل آمد در جنگهای هرات شرکت کرد. یوسف خان در سال ۱۲۷۵ قمری که تراکه خوارزم برضد دولت ایران شورش کرده بودند بمعاونت حمزه میرزا حشمت‌الدوله مأمور قلع و قمع ریشه عصیان گردید و در جنگ مرو امیر تراکه شده هفت سال در زندان آنان بود از مأموریت‌های مهم شجاع‌الدوله ملاقات او با جانشین امپراتور روس بود که در سال ۱۲۸۵ در لنکران وی را ملاقات نمود و مأموریت خود را بخوبی انجام داد. آخرین مأموریت وی حکومت خوی و سلماس بود که در آنجا فوت کرد .

سرزمین زردشت . رضائیه تألیف علی دهقان صفحه ۲۴۸

تفاوت ماليات

ومنافع حالیه در محالات مفصله با ملاحظه حالت حکومت ارومیه و رعایت احوال روسا و ایلات و بیگزادگان سرحد نشین بامخارج سرحددار از قرار سنوات سابقه و ایام حکومت مرحوم شجاع الدوله

۱۲۴۵ تومان

محالات

۱۹۰۰ تومان

اشنویه

موافق جمع بندى مرحوم شجاع الدوله و عمل کرد خود غلام جان نثار در سنه ماضیه ایت ئیل و خوانین زرزا حاضرند که تفاوت عمل را خودشان متقبل بوده اگر رای اولیای دولت قاهره علاقه بگیرد دویست نفر سوار پادار هم داده که در سرحدات مشغول خدمت باشند .

۶۱۰۰ تومان

۶۶۰ تومان

ماليات ديوانى اصلا و فرعا

اضافه قرار پاپاق

۵۷۴۲/۹۴۰ تومان

۳۵۷/۸۰ تومان

تخفيف عبدالله خان زرزا

پيشكار اشنويه

۱۰۰ تومان

خرج اوطاق حاکم اشنویه

۲۵۷/۸۰ تومان

۵۰۰ تومان

مرکرر : موافق عمل کرد خود غلام جان نثار در سنه ماضیه

تخاقوی ئیل

۱۲۰۰ تومان	۱۲۳۵۰ تومان
مالیات دیوانی اصلاً و فرعاً	۸۵۰ تومان
۱۶۰۰ تومان	۷۵۰ تومان - ۸۰۰ تومان
۳۲۰ تومان	۱۵۰۰ تومان
خرج اطاق مباشر مرکر	۳۵۰ تومان
۱۲۰ تومان	۲۰۰ تومان
استصوابی حاکم اردبیل	
۲۰۰ تومان	

دشت : موافق سنوات ماضیه و معمولی مرحوم شجاع‌الدوله
بمباشری نصیرسلطان

۵۰۰ تومان	۶۵۰ تومان
مالیات دیوانی	
۳۳۶ تومان	
۱۶۴ تومان	
تخفیف بیکزادگان دشت	استصوابی حاکم اردبیل
۶۴ تومان	۱۰۰ تومان

ترک‌ور^۲ : موافق عمل کرد کسان مرحوم شجاع‌الدوله بعد از وضع
مالیات جنسی بمباشری نصیرسلطان

۹۰۰ تومان	۱۳۰۰ تومان
مالیات دیوانی اصلاً و فرعاً	۷۰۰ تومان
۷۲۸ تومان	۵۵۰ تومان
استصوابی حاکم و غیره	۲۵۰ تومان
۱۷۲ تومان	۱۳۰ دینار
	بهره مالکانه دهات مرحوم شجاع‌الدوله
	۱۵۰ تومان
مباشراً	۳۳۰ دینار
۷۲ تومان	۸۰۰ تومان
حاکم	۴۰۰ تومان
۱۰۰ تومان	۶۰۰ تومان

۳- این محال مشتمل بر سیزده پارچه دهات است که در ده پارچه آن
مرحوم شجاع‌الدوله علاقه ملکی کرده تخمیناً روهم رفته ثلث این دهات مالک
زرخرید ایشان است و باقی ملک طایفه هرکی رعیت دولت عثمانی و بیکزادگان دشت
می‌باشند .

صومای برادوست : چون این دو محال در دست کسان مرحوم شجاع الدوله بوده و علاقه ملکی در آنجا دارند موافق جمع بندی و عمل کرد مرحوم شجاع الدوله بمباشری ابوالفتح بيك بعد از وضع تتمه مخارج پانصد تومان تفاوت عمل مالیاتی دارد تا قبول نمایند یا بدیوان اعلی واگذار کرده مستحق بهره مالکانه دهات خود باشند .

۵۰۰ تومان

اایلات

۵۵۰ تومان

شکاک : از قرار جوقه بندی مرحوم شجاع الدوله که بموجب سند خود ارائیل مزبور بسی مداخله علیجان شکاک جوقه بجوقه دریافت مینمود بمباشری عبدالمحمد يك آدم خود

۱۸۵۰ تومان

مالیات دیوانی بعد از وضع مواجب علیجان
۱۵۲۰ تومان

۱۲۰۸ تومان

از قرار جمع دیوانی اصلا و فرعاً
۱۹۲۰ تومان

بعد از وضع مواجب علیجان شکاک که از بابت مالیات دهاتش محسوب میشود

استصوابی حاکم اردبیل و مباشرین جزء
۳۳۸ تومان

تومان ۱/۵۰ قران

مباشر

۱۳۸ تومان

حاکم

۲۰۰ تومان

۲۸۸ تومان

۳۵۰ تومان

روند : بانضمام عشر مالیات کلازوحق مرتع آنجا که دخلی بمحال دشت بیل ندارد خود ناحیه ایست علیحده

استصوابی حاکم و مخارج سرحد داری

قیمت خلعت رؤسای ایلات که معمول است

۱۵۰ تومان

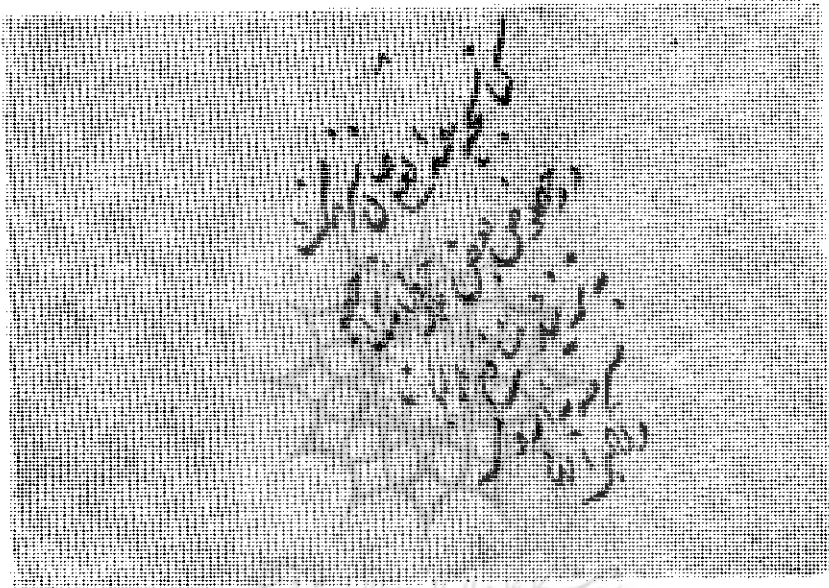
۳۵۰ تومان

تفاوت ایل روند

۲۰۰ تومان

۱۵۰ تومان

مابقی مطالب را به متن رساله رجوع فرمایند .



پروفسور علوم انسانی و مطابقت‌گرای
پرتال جامع علوم انسانی

کتابخانه

مجلسی صاحب و مدافعان عالی و مستفاد از سعادت اعلی است که در
عبدالمجید سرکنت این موقوفه علیستغنی خان سرب قشادان خدای
موقوفه مشایخ الدوله امور سرحد واری و حکومت اصفهان بود و در
و در وقت صلوات عرض میگرد که بعد از فراغ آن در سبب شهادت
سربان و حال سعادت بود و در شرح فراموشی و بیان قدر تواریخ در آنک
سبب که آن تواریخ و این تواریخ از برای تواریخ بود اول تواریخ
دولت سرد است

تفاوت مالیات

و مشایخ عالی و بی و در صلوات و خلاصات حکومت اوتی در سعادت
احوال و مالیات و بکار اکان سعادت شین اتمام مرتبه اول تواریخ
سنوات سابقه و ابار حکومت بود مشایخ الدوله

مجلسی صاحب

مجلسی صاحب
مجلسی صاحب و مدافعان عالی و مستفاد از سعادت اعلی است که در
عبدالمجید سرکنت این موقوفه علیستغنی خان سرب قشادان خدای
موقوفه مشایخ الدوله امور سرحد واری و حکومت اصفهان بود و در
و در وقت صلوات عرض میگرد که بعد از فراغ آن در سبب شهادت
سربان و حال سعادت بود و در شرح فراموشی و بیان قدر تواریخ در آنک
سبب که آن تواریخ و این تواریخ از برای تواریخ بود اول تواریخ
دولت سرد است

و در این کتاب در هر یک از اینها و در هر یک از اینها
در هر یک از اینها و در هر یک از اینها

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

سوال

دشمنان را از سر خود برانگیزد و در راه حق
بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

و در راه حق بماند

سناحاً السلفا لبك بعد از فراغ آمدن شما
کلی معمول خواهد بود

اولاً درین عهد دولت عثمان است زینوشی باغات و باغی و سبزه
عمارت و ایوانی که در فیصل پیران و زودی و سایر عوالم منگول
که سابقاً ایل دولت علیه در این دوره سال چندین سال است که کجاک در تمام
تحتان خودت را در کسیر است دولت نمود در وقت بدلق و بیخرف
آورد تا اویل پسرانده عالی بود و در کسیر است و در کسیر است
که در سبزه کوهی مرغ و مرغ غذای است که در کسیر است و در کسیر است
فصل این فرود آمدن و کسیر است که در کسیر است و در کسیر است
مرد است و مغرب است که در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است
اطلاع و بصیرت داشت و در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است

فانما عوالمی ذکر نمودیم و در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است
در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است
منوع بود و کسیر است و در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است
فانما عوالمی ذکر نمودیم و در کسیر است و در کسیر است و در کسیر است

کلمات متفاوت است خوانده ای که نمی خواند که اشتباه ترین
کلمات هستند و در صورتی که برای دولت خوانده
و در غیر آنجا و بیست و چهار تومان تفاوت پیدا می شود و در آن
کلمات با نظم و عمل آواز و در نزد تون شما در عمل خوانده

در سراسر دیگر بزرگ شده است که در این شب و سالی بخیر و خیر
نگاه می کند که در روز و در آنجا و در آنجا و در آنجا
ناتوان و امراء شش رنگ شده است که در آنجا و در آنجا
آنجا که دولت فخری بود و در آنجا که در دولت فخری
آنجا که در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود

کتاب در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود

آنجا که در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود
و در آنجا که در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود
کتاب در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود
و در آنجا که در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود
کتاب در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود
و در آنجا که در آنجا بود و در آنجا که در آنجا بود

ایست که بر است تا صدای او در سخنش هرگز که بس است و
سوی که بس هم زنی بپوشد در این فرد هم در است و هر که
نفاذت کل و اصل او

ایضا سبک و از طرف دیگر اول تو نون بر این است و آن است
این است هر چه و شاد و بجز غرض و حسنی و شین است
تا تو نون که در است شمانی پیدا از آنکه تو نون خیال او چه است
سایک از آن شد و جز و شین نوردی و از نون که گرفت و صحنی
سزات از خاد و نخت بر می و از شود که می روی و اگر سخن است
عادت و آن نیت دارد بخوار و به هر که است اگر چه که هر که
خامنه و بطور که در دولت شمانی سوال است بحری و از نون حسنی
میت رود و هزار و با نقد تو آن که هر که عادت سبک و هر ای روی
و در است این کانی نبرد و نخت شمانی نخت و علی تو نون است
که ای روی نیا و نه و خود که در است ن هم نخت که بس روی و هر
آورد و در سانی نخت عید و نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت
راوند و از و با نکت و خیال او چه و صفا بر می است آورد و در صفا و صفا

واششونیه وارومی لغزشش میسرسانند و از اینجا با هم بار شده بدولت روس
میرند با اینکه این اوقات اهل روس در جنگلهای خود برکی رامید کرده و مع
ماز و صرف میسازند باز از کور و تومان تاجا و از این محاللات ماز و بانجا
حمل و نقل میشود در ایران چندان احتیاجی بماز نیست زیرا که اینقدر ماز در
کروستانات خود اندولت بعمل میآید که کفایت کند اکثر این ماز و بدو
روسیه میرود و گرانگی در اینجا صرف شود

اما قشهر حلب و شام و چکمه قرقر و صیقلی و تاجا و شین استابت با اینکه
با اینکه اهل کروستان خاضه مالی سا و جیلاق و اششونیه و لاسجان چندان
احتیاجی باین مصالح ندارند و اکثر در سالی باز کور و تومان تاجا و از این
قبیل معاملات در کروستان شده پول دولت علیه ایران بدولت عثمانی
رفته و در مقابل چیزی میآید که رفع احتیاجی دولت و رعیت کرده باشد
بر علت اینکه هر چه میآوردند لابد بسند در فروختن آن و هر چه میرند محتاج
با و سفینه این در تومانی گیرند و دویار و دویار و پول دولت علیه را که بر میآید
اگر چنانچه رای اولیای دولت علیه قرار بگیرد که اینقدر پول دولت برای این
معاملات بجهت بدولت عثمانی نرفته و خسارتی نیز بجهت عدم این معامله تاجا و

کحل است که هر فردی از آن را در خلوت رواج دهد و دیگر کسی نداند
و در وی بگذرد و تن و شین او یکی که این اوقات ای کجا بخورد
بماند و غرضش از آنست که در این میان است که هر روزی در وقت است

و در بناید

مراجعت آنکه در آن حدیث است که هر روزی در وقت است که هر
آدمی دوست دارد که هر روزی که از آن روزی که ساخته شود و هر
کس که در آن وقت شود و در آن وقت که هر روزی که هر روزی که هر
و است که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر
و در آن وقت که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر
کو که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر
میزان است که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر
و در آن وقت که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر
بست که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر
پیشانی است که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر
در آن وقت که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر روزی که هر

در سال تحلی عرفی فرسان برود با یک تخی بود با ایجاد صدها نوبت
آن سبب فروزش با کمال رغبت که آن کرده بود و بی استعداد
بر او ظاهر شود و بر او بیای دولت برود سبب ظهور آن
سبب که بر او بی بود و در اول کار بر او توان از نوجوانان
بنای کارخانه و سایر سبب مصالح با نقد توان در حین استعد
ظرف است و در عمل خودی تمام نقد است کارخانه و در اول کار
سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر
خام است است مری دولت که کشید است است است است
در هر کار که چه سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر
خود بود است در هر توان خود در سال شاد است عمل است که در او
در وقت که هر یک سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر
او بر سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر
سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر
از رفت و در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر
عقلی در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر سبب که در او بر

از توجیه و حمایت اولیای دولت سخن می‌گوید و می‌گوید که اگر این دولت
 حکومت مشیخیه بود و در غیر ممکن است چون باطن از دولت عثمانی گرفتار
 و دشمنی دارد و مسیح و در آن آن طرف نیز وجود دارد و دولت عثمانی
 سرمدی خودشان میدانند و دولت که از آن طرف عثمانی حاصل می‌آید
 در هر کار مسکلی در ضمنی دولت غیر اقبال نماید

عقبه که در غیر ممکن است و این نظام را از جهت صلح و تحریق حاصل می‌کند
 معروف به نظام کلی و نسبت حکم و سرور دولت عثمانی و اعیان دولت
 اولیای دولت قاهره و آنرا وصول و اصلاح از جهت صلح و تحریق
 و نظام مسیحی عثمانی شکست که در این حال است و هر دو سیستم
 هم که این بیعت وصول و تفاوت حکم که در این است از جهت صلح
 افواج و توکلانه بود و در پیش از حکومت مشیخیه اند و یکبخت است
 و بعد از یکجه وصول رسیده و در محاکماتی بود و بعد از این هم در
 و برده بود که اگر این اولیای دولت بود و دولت نومی فرموده است
 نظر و انکی فرموده اند و هم موفق جزا بر آن که چند چند است
 اول نظام حکومت و مسیح و درای و همچون و در جهت غیر این است

کتابخانه امام رضا علیه السلام

و گوشت را در این صحنه در امیرای حکام و خدایات و جوانی با حکام همچنان
 تالیف نشین گنجه کسبه و در حیدرآبادی از حالت مال کسبه و دولت
 در مشهوره بجز آن که اولی السعد از آنجا بود شناساند در میان دولت
 که در دست رخت کبر که در حسی کوزه که آن خوانند و در خود را بی نظیر
 که آنجا خود خوانند و کالی میخوانند می که در آنجا این در دستای که کسبه عدالت
 از جوانان این دولت میزند و در آنجا کجایان بنا که وقتی است با این غیر هم نشین
 که در کشتن مردم مگر همان کسبه خوانی شده و در حسی دارند و کجایان
 بر این خوانند و همان کجای و میآید از توب کسبه و در حسی و کجای
 در کسبه و در آن دست از کجای برای ایندی می آید که در دست از آن
 اولی دولت کسبه و در آنجا

آنکس که در آن کجای و در آنجا کجاست از وی و حالت آن
 شنود و در کسبه و در آنجا کجاست
 راجع بر آن کجای کسبه و در آنجا کجاست و در آنجا کجاست
 و در آنجا کجاست و در آنجا کجاست و در آنجا کجاست
 در آنجا کجاست که در آنجا کجاست و در آنجا کجاست

کتابخانه عمومی و کتب خطی

خاکس ما شدن چاره قدر که یک و هم در آن کشور که هر یک از
و این خبر که باز در خواهر تو را داشته و این بر زبان تو و این
ساخته بودی گفت و هم که در آن حال است

در حال کشور در هر یک از
که هر یک از آن است

در حال کشور در هر یک از
که هر یک از آن است
این خبر که در هر یک از آن است
از هر یک از آن است